كتاب المناسك

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة

على محمد واله الطاهرين وبعد

چنين گويد بنده خاطى راجى

اسد الله الموسوى مختصريست د

و در واجبات حجّ تمتّع و حجّ تمتّع
مرکّب است از عمره و حجّ پس
در اینجا دو مقصد و یک خاتمه
است مقصد اوّل در افعال
عمره است وان مقدّم بر حجّ
است وان چهار فعلست اوّل احرام
و موضع احرام از برای کسانیکه
از طرف عراق میروند وادی

عیقق است هر موضعی از آن
که بوده باشد و کیفیّت آن این
است که قصد نماید احرام واجب
بعمل میآورم قربة الی الله تعالی
و حرام میشود باحرام امور چند
و این بر دو قسم است قسم اول
چیزیست که زن و مرد در آن
شریکند و آن بیست امر است اول

3

اول صید کردن از بیابان

دوم بکار بردن بوی خوش

سیم سرمه کردن بسیاهی

و با نچه بوی خوش دارد چهارم

نظر کردن در آئینه پنجم

کردن انگشتر بدست بجهة

زینت نه بجهة استحباب ششم

خضاب کردن هفتم زینت کردن

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

بزیورها **هشتم** مجامعت کردن

نهم استمتاع مرد از زن یا

زن از مرد اکرچه بتقبیل

ولمس بوده باشد یعنی بشهوة ونظر

اتیان بامور مسطوره نماید

دهم عقد بستن فیما بین

مرد و زن بلکه هم چنین است

توکیل در آن وحضور در مجلس

مجلس عقد وجایزاست
خریدن جواری برای محرم
اگرچه مقصود وطی باشد
یازدهم پوشیدن اینجه ساق
داشته باشد حتی بر زنان علی
الاحوط دوازدهم فسوق که عبارت
از دروغ وفحش ومفاخرت
کردن باشد سیزدهم جدال

که عبارت از گفتن لا والله و

بلی والله باشد یعنی قسم خوردن

چهاردهم ازاله کردن موی از

بدن اگرچه بشانه کردن باشد

پانزدهم ناخن گرفتن وشکستن

ناخن باختیار و هرگاه خود

شکسته باشد جایز است

چیدن آن واحوط آن است

5

است که کفّاره بد هد شانزدهم

سلاح پوشیدن هفدهم بوی

کردن ریاحین وان چیزیست که

بجهه بوی کردن میکارند

وگلهائیکه بوی خوش دارد

وامّا انچه در صحرا میروید

از نباتات عیبی ندارد هیجدهم

کشتن شپش وکیك ویا اندا ختن

انها از بدن و تحویل انها از
محلی بمحل دیگر عیب ندارد
شانزدهم اخراج خون از بدن
خواه بفصد باشد یا بحجامت
اگرچه بخارانیدن باشد
بحدیکه خون بیرون اید
وهمچنین است مبالغه در
مسواك بحد مزبور وهرگاه

6

هرگاه دملی داشته باشد
وزمان انفجار آن رسیده
باشد جایز است فشردن
آن اگرچه خون بیرون آید و
همچنین است کندن دندان هرگاه
ضرور شود والا فلا بیستم
استمناء است یعنی طلب خروج
منی نماید بهر قسم که باشد و

ممکن است امر هشتم را داخل
در این امر نمود لکن بجهة ضبط
عدد احتیاطا و تماما للحفظ
در عدد بیست مقرر داشته
شد واما قطع اشجار و
نباتات بیابانی حرم اگر
چه حرام است بر محرم لکن
اختصاصی بمحرم ندارد بلکه آن

از خصایص حرم است قسم دوم

آنست که مختص مرد است

یا زن وان سه امر است اول

پوشانیدن سر است وان

بر مرد در حال احرام حرام است

و بر زن واجبست و پوشانیدن

رواست وان بر زن حرام است

لکن جایز است که چیزی

بر سر انداز دتا برسد بجانب
دماغ او یا ذقن و چانهٔ
او و احتیاط در این است که
از دماغ نگذراند و واجب نیست
که دور نماید جامه را که بصورت
او بر بخورد و جایز نیست
نقاب پیش روی خود بگیرد
دویم سایه داشتن بر سر در

در هنگام سیر و رفتن
نه در وقت نزول و این مختص
بر جالست و اما زن جائز است
سایه بر سر داشته باشد
سیم پوشیدن چیز نیست که
دوخته شده باشد مانند
قبا و ارخالق و زیر جامه و
کلاه و ان مختص بمرد است

مگر همیان طعام و زاد و کمر
بند پول و کیسهٔ پول که جایزست
در حق رجال و نساء همراه
داشتن ان و جایزاست در
حق زنان پوشیدن لباس دوخته
واما کیفیت احرام در حق مرد
آنست که بکند جامهای دوخته
خودرا پس قصد کند که احرام

احرام واجب بعمل میاورم و
حرام میکنم برخود امور مذکوررا
پس بپوشد لنکی که ساتر او باشد
از ناف تا زانو وهرگاه خواهد
کره زند مانعی ندارد وهرگا
خاهد بالای ناف ببندد
واز زانو بگذرد نیز مانعی
ندارد بلکه بهتر است پس

ببندد ازد بر دوش خود ردائی
و باید هر دو پاك باشد
و حریر نباشد و مستحب است
که از پنبه بوده باشد و سفید
باشد و اگر یمنی باشد بهتر است
وَ اَمّا زن جامهٔ خود را که
بقصد احرام یا همان جامها را
بپوشد یا جامهٔ دیگر و بهتر

وبهتر آنست که جامهٔ پاك
دیگر بپوشد پس ازان چهار تلبیه
بگوید باین لفظ لَبَّیكَ اللّٰهُمَّ
لَبَّیكَ لَبَّیكَ لا شَرِیكَ لَكَ
لَبَّیكَ واحوط آنست که زیاد
کند برآن اِنَّ الحَمدَ وَالنِّعمَةَ
لَكَ وَالمُلكَ لا شَرِیكَ لَكَ
واحوط آن استکه یکدفعه

دیگر هم این قسم بگوید لَبَّیْکَ

لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ

لَکَ وَالْمُلْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ

لَبَّیْکَ و مستحبّست مکرّر تلبیه را

گوید خصوصًا بعد از فرایض

وهنگام صعود و نزول و بعد

از برخواستن از خواب و سحرها

تا اینکه ملاحظ[illegible] های

اللّٰهُمَّ

خانهای مکّه را نماید انوقت
لازم است قطع تلبیه را نماید و
حیض مانع از احرام نیست حتّی
غسل را میتواند بعمل آورد لکن
نماز احرام را نمیتواند بعمل آورد
و مستحبّ در حقّ مرد و زن است
که اوّل بدن را از همه چرک و مو
پاك كنـ[illegible]خن ها را بگیرد

پس از آن غسل کند و هنگام
غسل این دعا را بخواند بسم الله
و بالله اللهم اجعله لی نورا
و طهورا و حرزا و امنا من کل
خوف و شفاء من کل
داء و سقم اللهم طهرنی و
طهر لی قلبی و اشرح لی صدری
و اجر علی لسانی محبتک و
مدحتک و الثناء علیک

12

عليك فانه لا قوة لي الا بك

قد علمت ان قوام ديني التسليم

لامرك والاتباع لسنة نبيك

صلواتك عليه واله وترك

كند بعد از غسل انچه بر محرم

حرام است پس بپوشد جامه

احرام را فعل دويم از افعال

واجبه عمره طواف است

فعل ۲

بدانکه چون محرم خواهای
مکّه را دید قطع تلبیه میکند
وچون داخل مکّه خواهد
بشود مستحبّست غسل کند و
هرگاه ممکن نشد درخانه
که منزل میکند غسل کند و
این غسل مستحبّست واجب
نیست واینکه هنگام دخول

13

دخول پیاده شود و پای برهنه

داخل شود و نعلین را بدست

بگیرد و قدری از اذخر بعد

از دخول مکه بخاید و هرگاه

خواهد داخل مسجد الحرام

شود باز مستحب است غسل نماید

و در مسجد بایستد و این دعا

خواند السلام علیك ایها

اَلنَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَ
مَا شَاءَ اللهُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ
أَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ
عَلَىٰ رَسُولِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ
إِبْرٰهِيمَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَبِالْمَحِيِّ وَخُضُوعٍ وَسُكُونٍ وَ
وَقَارٍ دَاخِلِ مَسْجِدِ الْحَرَامِ شَوَد

شود و بعد از دخول مسجد
نیز بایستد و دعائیکه مأثور
است بخواند واما واجب
طواف پس نیّت کند که طواف
واجب که در عمره است بعمل
میاورم قربة الی الله تعالی
واین نیّت را هنگام محاذاة
ومقابله یسار بدن خود باوّل

حجر الأسود نماید و وقت

در این باب لازم نیست همین

قدر که طرف یسار او مقابل

اول حجر الاسود است عرفا

کافیست پس از همان موضع

طواف کند و در خانهٔ کعبه

بگردد بنوعی که حجر اسمعیل

داخل طواف باشد تا

تا هفت مرتبه پس ضم کند
شوط سابعرا بمنتهای حجرالاسود
پس برود در مقام ابرهیم و
انجا دو رکعت نماز کند و
هرگاه کثرة است در عقب
مقام نماز کند در موضعیکه
نزدیک تر باشد بمقام و
شرطست در طواف طهارت

بدن از حدث و خبث و
هم چنین شرط است پاک
بودن لباس و هم چنین شرط
است که فاصلهٔ میانه هفت
شوط طواف نبوده باشد و
مستحب است که چون داخل
مسجد الحرام شد از باب بنی
شیبه داخل شود و مبادرت

۸۶

مبادرت بطواف کند وچون
نزدیك حجر الاسود شد بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا
اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
اَكْرَمُ مِنْ خَلْقِهِ وَاَكْبَرُ
مِمَّا اَخْشٰى وَاَحْذَرُ لَا اِلٰهَ

اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ
يُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
صلوات بفرستد بر محمد
وال محمد وسلام كند بران
بزركوار وبر ساير انبياء
مرسلين وهركاه اقتضا كند

کند در عوض انچه مذکور شد
بر تکبیر و صلوات و سلام
بر محمد و ال محمد صلی الله علیهم
اجمعین هم خوب است پس برود
روی بحجر الاسود و ببوسد
انرا و صورت خود را بران
بمالد و اگر جهة ازدحام نتواند
دست بمالد بحجر و دست خود را

ببوسد واگر اورا هم نتواند

اشاره کند بحجر بدست خود و

بگوید در اینحالت بِسْمِ اللّٰهِ

وَاللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ اَمَانَتِی اَدَّيْتُهَا

وَمِيثَاقِی تَعَاهَدْتُهُ لِيَشْهَدَ لِی

عِنْدَكَ بِالْمُوَافَاتِ و در هر

مرتبه که دور میزند این عمل

نماید مکرر دعا که در مرتبهٔ او

اولی است وهرگاه مشکل است

درمرتبه اولی واخیره چنین

کند وهم چنین است تقبیل رکن یمانی

وان رکنی است که محاذی رکن

حجرالاسود است ودران

~~موضع حجرالاسود است و~~

دران موضع مستحب است دعا

کند بهر زبانی که خواهد ودعا

کند برای خود و پدر و مادر
و دعاهای دیگر در مواضع
دیگر مستجب است هرگاه خواهد
ملاحظهٔ مناسك مرحوم آقا
اعلی الله مقامه را نماید و ازان
قرار عمل نماید و مستحب است
که بعد از فراغ از طواف و نماز
در مستجار که عقب باب کعبه است

19

کعبه است نزدیك رکن یمانی
آمده باشد و استغفار از
ذنوب نماید و دعا بسیار
کند و مستحب است که طواف
بسیار کند اگرچه واجب همان
یکدفعه است و هرگاه شك
نماید در عدد اشواط احتیاط
در اینست که بنا را بر اقل گذارد

و تمام کند و اعاده ان طواف را
نماید و چون فارغ از طواف
شد مستحب است که بیاید نزد
زمزم و اب از زمزم بکشد
یا هرکاه دیکری بکشد چنانچه
حالا متعارف است قدری
از ان اب بخورد و باقیرا بر سر و بدن
خود ریزد پس برکردد بسوی

بسوی حجرالاسود و ببوسد
انرا فعل نهم از افعال عمره سعی است
وکیفیّت ان این است که چون
فارغ از طواف شد بیرون
بیاید از مسجد و برود روی
بصفا و از اول صفا نیّت
کند که سعی واجب میکنم قربة
الی الله تعالی و از انجا برود

بجانب مروه و بر گردد بسوی
صفا تا هفت دفعه باین نوع
که رفتن را یکمرتبه قرار دهد
و بر گشتن را یکمرتبه و در
رفتن و برگشتن از صفا
بمروه و از مروه بصفا پاهای
خود را متّصل کند بآن دو
موضع و مستحبّ است که با

21

با طهارت بوده باشد در حال

سعی وبالا رود بر صفا بنوعی

که خانهٔ کعبه را به بیند و

در انجا به ایستد بمقداری

که معتدٌبه باشد پس حمد و ثنای

الهی کند و متذکر آلاء و نعم الهیه

شود و تکبیر و تحمید و تهلیل

الهی گوید و بهتر آنست سه مرتبه

بگوید لا اِلهَ اِلّا اللهُ وحدهُ
لا شریکَ لهُ لهُ المُلکُ ولَهُ
الحمدُ یُحیی ویُمیتُ وهُوَ علی کُلِّ
شَیءٍ قَدیرٌ وصلوات بر محمد و
آل اطهارش فرستد و دعای
مأثوره آن در کتاب مناسک
مرقومست و بارامی برود
از صفا تا مناره اولی و

22

وازانجا بنوع هروله برود تا

منارهٔ ثانیه وازانجا بارامی برود

تا مروه ودر حال هروله

مستحبست بگوید بسم الله

والله اکبر وصلی الله علی محمد

وعلی اهل بیته اللهم اغفر

وارحم وتجاوز عما تعلم وانت

الاعز الاکرم وبرای زن

هروله مستحب نیست وهرگاه
درمیانهٔ این هفت مرتبه خسته
شود جایز است بنشیند در
صفا یا مروه تا رفع خستگی
او شود وجایز است در ضبط
عدد مذکور واعتماد بر دیگری
ولازم نیست که متصل بطواف
سعی نماید بلکه جایز است تأخیر

23

تأخیر اندازد تا شب **فعل چهارم** از
افعال عمره تقصیر است یعنی
کم کند قدری از موی خود را
یا ناخن خود را اگرچه موی
بعض بدن باشد بنوره کشیدن
ویا ناخن پا باشد و بهتر آن است
که ناصیه وان موی فوق پیشانی
است بتراشد وحرامست تمام سر را

بتراشد وباین فعل تمام میشود
افعال عمره وجایز است
بعد از تقصیر کرجامهای خودرا
بپوشد ولباس خودرا بپوشد
ولباس احرامرا بیرون کند
ولکن مستحبست که بصورت
محرمین بوده باشد مقصد ثانی
در افعال حج است وآن ده

26

ده فعل است اوّل احرام و
احرام حج مثل احرام عمره است
وموضع این احرام مکّه است
وهر موضعیکه از مکّه بوده
باشد جایز است احرام دران
وبهتر آنست که در مسجد الحرام
بوده باشد وبهتر این است
که در خلف مقام ابرهیم بوده

باشد وقت این احرام بعد از
فراغ از عمره است تا وقتی
که تنک شود زمان وقوف در
عرفات وافضل این است
که روز ترویه بوده باشد
وافضل این است که وقت زوال
احرام به بندد بر این وجه
که قصد احرام نماید وبپوشد

25

وبپوشد جامه احرام را
هرگاه نزع کرده باشد از خود
والا تجدید لبس نماید بعد از
نزع وانچه در حکم نزعست و
تلبیه احرام عمره پس برود بجانب
منی وهنگام رفتن مستحبست
این دعا بخواند اللهم ایاك ارجوا
وایاك ادعوا فبلغنی املی

وَاَصْلِحْ لِي عَمَلِي پس چون رسید

بِمِنّی مستجب است این دعا بخاند

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ مِنًى وَهِيَ مِمَّا

مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ

فَاَسْئَلُكَ اَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ

بِهِ عَلٰى اَنْبِيَاءِكَ فَاِنَّمَا اَنَا

عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ و مستحب است

اینکه بیتوته نماید در منی یعنی

یعنی شب در منی بماند تا طلوع
فجر یوم عرفه و نماز صبح
کردن در اینجا بلکه تا طلوع
شمس خصوصًا در حقّ امام خصوصًا
در وادی محسر پس برود بجانب
عرفات و مستحب است اینکه
در هنگام توجّه بجانب عرفات
بخواند این دعا را اللّهمّ

اِلَيْكَ صَمَدْتُ وَاِيَّاكَ اَعْتَمَدْتُ

وَوَجْهَكَ اَرَدْتُ فَاَسْاَلُكَ

اَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِيْ وَاَنْ

تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَاَنْ تَجْعَلَنِي

اليَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ

اَفْضَلُ مِنِّي و مستحبست تجديد

تلبيه بعد از دعاء مذكور

هنگام سير بعرفات

بعرفات فعل دیم ازا فعال حج
وقوف بعرفات است ووقت
ان بعد از زوال یوم عرفه
است تا غروب آفتاب وواجب
ان دوامر است اول نیت دوم
دویم ماندن دران موضع اکر
چه دعائی بخواند چه بنشیند
وچه بخواند ومستحب است

موکدا که مشغول دعا شود

ودعا کند جهة خود و پدر و مادر

وسایر مؤمنین و مؤمنات

وبهتر دعاء سید الشهداء

سلام الله علیه است که در

زاد المعاد مذکور است ودعاء امام

زین العابدین علیه السلام که

درصحیفه کامله است فعل

28

تعلیم از افعال حج وقوف
بمشعر است و وقت آن بعد
از وقوف بمشعر است و وقت
آن بعد از طلوع فجر است
تا طلوع آفتاب و احوط آنست
که شب را نیز داخل در قصد
نماید بلکه تجدید قصد نماید
بعد از طلوع فجر و هرگاه

قبل از طلوع شمس بیرون

رود جایز است بلکه بهتر

است در حق عامهٔ مردم

ما عدای امام لکن نکذرد

از وادی محسر الا بعد از

طلوع شمس و واجب آن

نیت است وان قصد وقوف

بمشعر است واجب قربةً الی الله

الله تعالی و ماندن در انجا

تا طلوع شمس و مستحب است که فریضه

مغرب را در مشعر بعمل آورد

وجمع کند ما بین ان و عشا

و نافلهٔ مغرب را بعد از عشا

بعمل آورد و مستحب است که

ان شب را که شب عید است احیا

نماید بدعا و استغفار بسیار

کند جهة خود و والدین
خود و سایر مؤمنین و مومنات
و ادعیهٔ ماثوره در مناسک
عربی و مناسك مرحوم اقا
اعلی الله مقامه مذکور است
و مستحب است که سنك ریزه
بجهة رمی در منی از این موضع
برچینند پس بعد از وقوف در

30

در مشعر برود بجانب منیٰ و
مستحبّ است که هروله نماید
هنگام مرور و عبور از
وادی محسر و بگوید در
هنگام عبور از ان اَللّٰهُمَّ
سَلِّمْ عَهْدِی وَاقْبَلْ تَوْبَتِی وَ
اَجِبْ دَعْوَتِی وَاخْلُفْنِی بِخَیْرٍ
فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی فعل چهارم

عقبه

از افعال حج رمی جمره است
در منی وواجب آن نیت رمی است
یعنی انداختن هفت سنگ
بجانب جمره عقبه بنوعی که
برسد بجمرهٔ مذکوره وقت ان
از طلوع شمس روز عید است
تا غروب اگرچه مستحب است
که هنگام زوال رمی نماید

نماید و مستحبّ است که سنك
ریزها را از مشعر برداشته
باشد چنانچه ذکر شد اکر
چه جایز است از منی بوده باشد
و مستحبّ است اینکه بکذارد هر
سنکی را بر شکم انکشت
بزرك که ابهام بوده باشد
و از پشت انکشت سبّابه انزا

ببیندازد بجانب جمره عقبه
واینکه بوده باشد دوری
ما بین جمره واندازنده ده
ذراع ومستحبست اینکه در
حال رمی باطهارت بوده
باشد و پیاده بوده باشد
اگرچه جایزاست سواره بوده
باشد در حال انداختن و

تا پانزده ذراع

32

وهرگاه جنب یا حایض بوده
باشد جایزاست رمی نماید
ومستحب است درحالتی
که سنگ ریزها بدست اوست
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ
حُصَیَّاتِی فَاَحْصِهِنَّ لِیْ وَ
ارْفَعْهُنَّ فِیْ عَمَلِیْ وبگوید
درحال انداختن اَللّٰهُ اَکْبَرُ

عَنِّی الشَّیطانَ اَللّٰهُمَّ تَصْدِیقًا

بِکِتابِكَ وَعَلی سُنَّةِ وَنَبیِّكَ

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَالِهِ اَللّٰهُمَّ

اجْعَلْهُ لِی حَجًّا مَبْرُورًا وَ

عَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْیًا

مَشْکُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا وَ

مستحبّست که هنگام انداختن

پشت بقبله و روی بجمره

33

بجمره بایستد وچون رمی

جمره نمود مستحبست بزودی

مراجعت نماید بمنزل خود در

منی ومکروه است ایستادن

نزد جمره بعد از رمی وچون

بمنزل رسید مستحب است بگوید

اَللّٰهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ

تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ المَوْلٰى

وَنِعْمَ النَّصِيرُ **فعل سیم** از افعال
حج قربانی کردن است ووقت
آن روز عید است بعد از
رمی وکیفیت آن اینست نیّت
نماید که قربانی میکنم واجب
قربةً اِلی الله تعالی پس هرگاه
گوسفند یا گاو است ذبح نماید
وهرگاه شتر است نحر نماید

نماید ولازم نیست که خود مباشر
کشتن شود و مستحبست هرگاه
دیگری مباشر شود اینکه
بگذارد دست خودرا بردست
انکه میکشد واحوط این است
که هردو نیّت کنند و مستحبست
درحال ذبح این دعا بخوانند
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ

والارض حنيفا مسلما وما
انا من المشركين ان صلوتي
ونسكي ومحياي ومماتي لله
رب العالمين لا شريك له
وبذلك امرت وانا من المسلمين
اللهم منك ولك بسم الله
وبالله اللهم تقبل مني وبايد
كوسفند يا لحوان معيوب بنوده

35

نبوده باشد پس هرگاه گوش یا

لنگ باشد جایز نیست وهم

چنین شرط است گوش آن بریده

نباشد مگر آنکه بی گوش خلق

شده باشد واحوط اینستکه

گوش او پاره نبوده باشد

اگرچه قوی جوان است ونیز

لازم است که زیاد لاغر نبوده باشد

و فربه بوده باشد و مکروه است
هرگاه اخته بوده باشد اگر
چه جایز است و لازم نیست
که نر بوده باشد بلکه هرگاه
گوسفند است مستحب است نر
بوده باشد و هرگاه شتر
بوده یا گاو مستحب است ماده
بوده باشد و مستحب است که گوشت

کوشت قربانی را سه قسم نماید
قسمی را جهة خود قرار دهد
وقسمی را بفقراء دهد و
قسمی را بهدیه بفرستد
بلکه احتیاط در این است
که خود قدری ازانرا بخورد
اکرچه قدر کمی بوده باشد
وبقیه را قسمت دیکران کند

وچون در این اوقات اهل
هدیه کم است نظر بانکه غالب
خلق میکشند تتمهٔ از حاجت
خود را قسمت میانه فقرا کند
خولست ششم از افعال حج
حلق و تقصیر است یعنی
واجب است بعد از قربانی کردن
هرگاه مرد است سر خود را تراشد و

ویا قدری ازموی سر خودرا
کم کند لکن حلق افضل است
بلکه احوطست درحق تازه حج
وکسیکه بر سر خود صمغ و
غسل مالیده باشد بجهة منع
از شپش وهرگاه زن است متعین است
درحق ان تقصیر یعنی قدری
ازموی سر خودرا کوتاه

کند و حلق کند یعنی تراشیدن
تمام سر بر او جایز نیست
و کفایت میکند او را کم کردن
موی سر اگرچه بمقدار بند
انگشت بوده باشد و مستحب است
موی سر را در منی دفن نماید
و مستحب است که ناخن خود را
در اینمکان بگیرد و

38

وچون حلق یا تقصیر نمود

حلال می شود بر محرم

محرمات احرام ما عدای

طیب که بوی خوش باشد

و نساء بلکه صید وچون

طواف زیارت نمود حلال

می شود بر او جمیع محرمات

ما عدای نساء وچون طواف

نساء نمود حلال میشود برای

او زنان هفتم از افعال حج

طواف زیارة است و وقت آن

روز عید است و روز بعد

از عید هم محتملست که وقت

آن نیز بوده باشد بعد از

اتیان اعمال مذکوره در

منی و واجبات این است که بر

39

که برگردد بمکّه و برود در مسجد
الحرام و نیّت کند که طواف میکنم
طواف زیارت واجب قربة
الی الله تعالی پس طواف کند
دور کعبه هفت مرتبه وابتداء آ
کند از حجر الاسود چنانچه
گذشت و ختم کند بان و دو
رکعت نماز خلف مقام ابرهیم

بعمل اورد و شرطست در طواف
طهارت از حدث و خبث
و مستحبّ است قبل از دخول
بمکّه غسل و مستحبّست اینکه بایستد
در مسجد الحرام و دعای مأثور را
بخواند هشتم از افعال حجّ
سعی بین الصّفا والمروه است
و کلام در کیفیّت آن گذشت نهم

40

نهم از افعال حج طواف
نساء است واین واجبست بر
مرد وزن وکیفیت ان همانست
که در طواف عمره وحج کذشت
حتی دو رکعت نماز بعد ازان
خلف مقام وبعد ازین طواف
سعی واجب نیست دهم از افعال
حج بیتوته وشب برو زآوردن است

در شب یازدهم و دوازدهم
بلکه سیزدهم برای کسی که بعد
از ظهر روز دوازدهم کوچ
نکند با مردم واجب نیست
تمام شب بماند بلکه کفایت
میکند که از نصف شب بماند
بلکه کفایت میکند که از نصف
شب بماند تا صبح و میتواند در

٤١

دریوم یازدهم ودوازدهم
بمکّه مراجعت کند وبر
کردد وکفایت کند ماندن
درآن مکان اکرچه بجا بد
وعمل مخصوصی ندارد وواجبست
دراین روزها رمی جمار ثلث
نماید یعنی ببیست ویك سنك در
روز اوّل لسبه جمره زند ابتدا

کند بجمرۀ اولی وان جمرۀ ایست

که نزدیك تراست بمنی ودور تراست

بمکه وهفت سنك بجانب آن

اندازد که برا وبخورد پس برود

بجانب جمرۀ ثانیه انرا نیز

هفت سنك بزند پس برود

بجانب جمرۀ اخیره که جمرۀ عقبه است

انرا نیز هفت سنك بزند و

42

وهم چنین است در روز دوازدهم

وهرگاه روز دوازدهم

نرفت روز سیزدهم نیز این سه

جمره را بنوع مرقوم بزند

ووقت این عمل از طلوع شمس است

تا غروب آفتاب خاتمه در

احکام زن است هرگاه حایض

شود درمیانهٔ اعمال حج وعمره

یا قبل از ان بدانکه حیض مانع
از احرام حج و عمره نیست
بلکه با وجود حیض میتوان
احرام نمود لکن نماز احرام
نمی توان نمود و نماز احرام هم
چنانچه ذکر شد واجب نیست
و هرگاه با جهل بمسئله یا
نخوان ترک احرام نمود هرگاه از

43

از میقات خارج نشده قصد
احرام میکند و هرگاه خارج
شده است هرگاه ممکنست رجوع
بمیقات کند و هرگاه ممکن نیست
از همان موضع قصد احرام میکند
و هرگاه داخل مکه شده
باشد و احرام را بعمل نیاورده
باشد خارج شود و قصد احرام

کند و هرگاه حیض عارض او

شد و او محرم است احرام او

عیبی نمیکند الا اینکه داخل

مسجد الحرام نمیشود و طواف

نمیکند بلکه تاخیر میکند

تا پاك شود و هرگاه وقت

تنك شد بجهة رفتن عرفات

و هنوز پاك نشده میرود بعرفات

وهرگاه نتواند از همان موضع قصد احرام کند

و اعمال حج را بعمل میآورد و

چون از اعمال حج فارغ شد

عمرهٔ مفرده بعمل آورد

تمت المناسک بعون الله

تعالی فی غرهٔ شهر رمضان

المبارک

۱۲۸۴

بلغ المقابلة

بیست وسه فعل است بر محرم

که حرام است وباطل ومجرم

هشت در سر بود یکی در پا

در بدن هفت هفت در یدها

سر تراشیدنت وپوشیدن

کذب را کفتن وقسم کفتن

سرمه در چشم وآینه در رو

منع بد بوی نیک بوئیدن

ز پیچ حرام است سیبر

45

آنچه حرام است بر دست

ناخن

خون ناخن کیاه را کندن

صید را کردن و شپش کشتن

بهر زینت بدست انکشتر

هم حنا را بدست مالیدن

کر ترا هست عقل و هوش و ذکا

پشت پا را تمام پوشیدن

ساتر دوخته مرد و زنیدن

هم چنین زیر سقف بنشستن

آنچه حرام است

بهر شهوت جماع و دفع منی

در بدن روغن است مالیدن

آنچه در عمره لازم است

پنج چیز است عمره را واجب

اول احرام دان و طوف و نماز

سعی در مروه

چیدن شارب

[illegible]